

## خطر فساد در جنبش کارگری ایران

رضا مقدم

یازدهم اسفند ماه هشتاد و پنج

خطر فساد جنبش کارگری در ایران را تهدید می کند. دولت آمریکا قصد دارد تحت عنوان حمایت از جنبش کارگری ایران، این جنبش را فاسد کند تا از این جنبش در خدمت حل و فصل اختلافاتش با رژیم اسلامی استفاده کند و یا در صورت وقوع شرایط تغییر رژیم اسلامی از بروز تحولات اساسی در ایران که فقط از جنبش طبقه کارگر ساخته است جلوگیری کند. همانطور که برای جلوگیری از پیروزی یک انقلاب چپگرا، کمک کرد تا پس از رژیم سلطنتی پهلوی، نیروهای اسلامی در ایران به قدرت برسند. بزرگترین موفقیت دولت آمریکا در این زمینه، فاسد کردن اتحادیه همبستگی لهستان و بکارگیری آن در خدمت سیاستهای امپریالیستی آمریکا علیه اردوگاه شرق بود. برای تاثیر گذاری بر جنبش های اجتماعی ایران چندین نهاد دولتی و غیر دولتی آمریکا فعال شده اند تا در مجموع راه دخالت و تاثیر گذاری دولت آمریکا را بر اعتراضات علیه رژیم اسلامی هموار کنند. یکی از اینها "مرکز مبارزه غیر خشونت آمیز" (۱) است که سابقه دخالت وسیع در اوکراین و گرجستان را دارد و اهدافش را درباره ایران هم اعلام کرده است. برای تاثیر گذاری بر جنبش کارگری ایران نیز چندین نهاد فعال هستند که یکی از این نهادها "مرکز همبستگی آمریکایی" (۲) است که بعنوان یک نهاد غیر انتفاعی به ثبت رسیده و در بیش از بیست کشور شعبه دارد. مرکز همبستگی آمریکایی در ارتباط با اتحادیه سراسری کارگران آمریکاست (۳). بخش کوچکی از هزینه فعالیتهای این مرکز توسط این اتحادیه تامین می شود و بخش اعظم آن توسط نهادهای به نام "اوقاف ملی برای دموکراسی" (۴) تامین میشود که نهادهای تماما رسوا است. "اوقاف ملی برای دموکراسی" یک موسسه غیر انتفاعی است که در زمان رونالد ریگان تاسیس شده و هدفش مداخله در امور کشورهای به اصطلاح جهان سوم و اردوگاه شوروی بود و هم اکنون در اروپای شرقی و آمریکای لاتین فعال است و همگان از نقش آن بعنوان ابزار سیاست خارجی آمریکا مطلع هستند. "مرکز همبستگی آمریکایی" مدعی است که "اوقاف ملی برای دموکراسی" دخالتی در تعیین سیاستهای آن ندارد منتها فقط هزینه آن دسته از فعالیت های مرکز همبستگی را میپردازد که با اهدافش موافق باشد! البته همینجا باید تاکید کرد که بخش مهمی از جنبش کارگری آمریکا و فعالینش، خود منتقد جدی سیاستهای بین المللی رهبری اتحادیه سراسری کارگران آمریکا هستند و علیه آن فعالانه مبارزه می کنند. اینها سالهاست که از جنبش کارگری ایران دفاع کرده اند.

همزمان با وزیر خارجه شدن کوندالیزا رایس، فاسد کردن جنبشهای اجتماعی ایران و بکارگیری آن در خدمت سیاستهای امپریالیستی آمریکا علیه رژیم اسلامی در دستور کار نهادهای آمریکایی قرار گرفت. در همین راستا، "مرکز همبستگی آمریکایی" در قبال مسائل جنبش کارگری ایران فعال شده و اخیرا فعالیتهای آن با استخدام کارمندان ایرانی برای تماس با فعالین و نهادهای جنبش کارگری ایران و جلب همکاری با آنها وارد مرحله کاملا جدیدی شده است.

هدف "مرکز همبستگی آمریکایی" از تماس با جنبش کارگری ایران و فعالینش، شکل دادن به یک جریان آمریکایی در جنبش کارگری ایران است که نه تنها مبنای سیاستها و اقداماتش در راستای تحقق منافع مستقل طبقه کارگر ایران علیه صاحبان صنایع و سرمایه و رژیم اسلامی نباشد بلکه هدفش تحقق منافع سیاست خارجی آمریکا در قبال رژیم اسلامی باشد. "مرکز همبستگی آمریکایی" می کوشد تا جنبش کارگری ایران و فعالین آنرا فاسد کند تا نه تنها از مبارزه برای تحقق خواستههای دیرینه طبقاتی خویش باز مانند بلکه به ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی آمریکا در قبال رژیم اسلامی مبدل شوند. این فساد است که جنبش کارگری ایران را تهدید می کند.

دولت آمریکا قبل از اینها و در دوران شاه نیز کوششهایی برای تاثیر گذاری بر جنبش کارگری ایران را در کارنامه خود دارد. تمام تلاشی را که اکنون "مرکز همبستگی آمریکایی" برای تماس گیری با جنبش کارگری ایران و فعالینش انجام می دهد در زمان شاه سفارت آمریکا در ایران انجام داده است، از قبیل فرستادن فعالین سندیکاهای زرد دوران شاه به آمریکا برای شرکت در سمینارها و آموزش دیدن بمنظور فراگیری فوت و فن تبلیغات و توطئه علیه فعالین سوسیالیست جنبش کارگری، ساختن اتحادیه هایی که با سوسیالیستها و کمونیستها در طبقه کارگر مقابله کند، و جنبش کارگری ایران را از تماس با احزاب و سازمانهای سوسیالیست و کمونیست بر حذر دارد. فعالیتهای سفارت آمریکا از محدوده نمایندگان و فعالین سندیکاهای دوران شاه فراتر نرفت و در میان فعالین جنبش کارگری ایران که تاریخا چپگرا و مخالف رژیم شاه و حکومت سلطنتی بودند نتوانست موفق گردد و لاجرم ناکام ماند. چرا که دولت آمریکا یکی از حامیان اصلی رژیم شاه بود و جنبش کارگری ایران که همواره در اپوزیسیون رژیم سلطنتی قرار داشت بنا به تعریف نمی توانست هوادار سیاستهای دولت آمریکا باشد. به همین اعتبار در زمان شاه ایران فاقد اپوزیسیون طرفدار دولت آمریکا بود زیرا اعتراض به رژیم شاه از اعتراض به دولت آمریکا جدایی ناپذیر بود. اما امروز چنین نیست. اکنون اپوزیسیون بودن و آمریکایی بودن تواما امکان دارد و در جناح راست سیاست ایران که شامل سلطنت طلبان هم میشود جریانات طرفدار آمریکا بسیار است و حتی می توان سازمانها و افرادی را یافت که سابقا چپی بوده اند. به همین دلیل از نظر دولت آمریکا، اگر می توان اپوزیسیون طرفدار دولت آمریکا داشت پس می توان جنبش کارگری طرفدار آمریکا نیز داشت. این مبنای امید دولت آمریکا در موفقیت برای فاسد کردن جنبش کارگری ایران و ایجاد یک جریان طرفدار سیاستهای دولت آمریکا در جنبش کارگری ایران است.

طبق اطلاعاتی که در حال حاضر در محافل فعالین جنبش کارگری ایران در خارج کشور وجود دارد "مرکز همبستگی آمریکایی" می کوشد تا به انحای گوناگون و از جمله از طریق جریانات اپوزیسیون طرفدار آمریکا و نهادها و افراد وابسته یا متمایل به آنها سود جویند تا با جنبش کارگری ایران و فعالینش ارتباط بر قرار کند. فعال شدن این دسته از احزاب و سازمانها و نهادهای وابسته و یا نزدیک به آنها در قبال مسائل جنبش کارگری و از جمله برگزاری سمینارهای کارگری در چند ماهه اخیر در خارج کشور در همین چارچوب است. نه تنها این بلکه حتی می کوشند تا از جمله جناحهایی از تحکیم وحدت را از طریق فعالین سابق دانشجویی که در خارج کشور ارتباطشان با نهادهای آمریکایی ظاهرا فقط برگزاری جلسه در "ساختمان کنگره آمریکا" است برای ارتباط با جنبش کارگری ایران و فعالینش بسیج کنند.

بنا به تعریف گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری و فعالینش علیه تبدیل شدن جنبش کارگری ایران به ابزار اجرای سیاستهای امپریالیستی آمریکا قاطعانه خواهند ایستاد. به این اعتبار سیاستها و اهداف دولت آمریکا برای ورود و دخالت در جنبش کارگری ایران می تواند تنها بر بخشی از فعالین گرایش راست جنبش کارگری متکی گردد. فعالین گرایش راست جنبش کارگری در ایران تا آنجا که به مواضع و رابطه با آمریکا بر می گردد هم اکنون سه بخش هستند. الف - بخشی از فعالین گرایش راست جنبش کارگری که سابقه حمایت از سوسیالیسم اردوگاهی دارند و هنوز خود را سوسیالیست می دانند و در سیاستهایشان رگه هایی از یک ضد آمریکایی گرایی وجود دارد. این گروه از فعالین گرایش راست جنبش کارگری مستقل از اختلافاتی که با گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری دارند (و هم اکنون حول ماهیت و نحوه تشکیل تشکلی است که کارگران باید داشته باشند، متمرکز است)، اما بر سر ممانعت از نفوذ نهادهای آمریکایی در جنبش کارگری ایران در کنار گرایش چپ هستند. ب - بخشی دیگر از هواداران سابق سوسیالیسم اردوگاهی که اکنون لیبرال شده اند و گاردشان در مقابل سیاستهای آمریکا در قبال ایران باز است و یا چندان محکم نیست و بعضا پرو هم آمریکایی هستند. ج - عناصر کاملا مستعد برای باز کردن راه نفوذ نهادهای آمریکایی در جنبش کارگری ایران آن بخش از فعالین گرایش راست جنبش کارگری است که تعلق خاطری به هیچ نوع سوسیالیسمی در گذشته نداشته و هم اکنون هم ندارند.

د - بخش دیگری از جناح راست جنبش کارگری که به لیبرالها و سوسیال دمکراسی نزدیک است بدلیل داشتن استراتژی فعالیت علنی، تدریجی گرایی و فعالیت درون سیستمی به لحاظ عملی در طرفداری از خط آمریکایی دارای محدودیتهای بسیار زیادی است و از این زاویه قادر نیست بر قدرت ظاهر شود.

علاوه بر اینها، روشن است که تا در جامعه آدم های ابن الوقت و فاسد وجود دارند، تا جامعه موجود خصلت ابن الوقتی و فساد را دائما بازتولید می کند، حضور برخی عناصر ابن الوقت و فاسد، و یا مستعد برای فساد و ابن الوقتی در میان فعالین جنبش کارگری و گرایشات مختلف آن غیر قابل اجتناب است. به اینها باید جریاناتی را اضافه کرد که تحت هر تابلو و عنوانی می کوشند تا با دست و پا گردن یکی دو فعال کارگری و ایجاد گروههای کارگری روی کاغذ و یک سایت، و تحت لوای "پروژه ها" و "ان جی او" های مختلف از بودجه هایی که نهادهای آمریکایی در قبال چنین فعالیت هایی می پردازند، برخوردار گردند. برای اینها هم اکنون فعالین کارگری یک ناندانی بالقوه هستند. اینها آگاهانه یا ناآگاهانه راه ورود نهادهای آمریکایی به جنبش کارگری ایران را باز می کنند تا زمینه فاسد شدن آنها فراهم آورند.

## نیازهای مالی جنبش کارگری

این حقیقتی است که جنبش کارگری ایران برای عبور از این دوره، یعنی از دوره بی تشکلی به دوره متشکل بودن، علاوه بر حمایت سیاسی به حمایتهای مالی نیز نیاز دارد. نهادهای آمریکایی تلاش می کنند تا برای تامین این نیازها با فعالین جنبش کارگری تماس بگیرند و راه نفوذ خود را باز کنند. طبعا حمایت های سیاسی و معنوی از جنبش کارگری ایران و اعتراض به بی حقوقی کارگران و محکوم کردن سرکوب مبارزات کارگری و دستگیری کارگران قادر نیست زمینه های ایجاد فساد در جنبش کارگری را فراهم کند. اما تلاش برای برگزاری سمینار درباره جنبش کارگری ایران در خارج کشور توسط نهادهایی که فقط با یکی دو حلقه به جریانات راست و سلطنت طلب مرتبط

هستند و فراهم آوردن مشروعیت برای این گونه فعالیت ها بوسیله افراد و جریانات چپ و صد البته ناحالی به منظور یافتن سر نخها و راههایی برای تماس با فعالین جنبش کارگری در ایران بخشی از این پروژه است. تماس با فعالین بعضا لیبرال جنبش دانشجویی ایران در خارج کشور برای سوق دادن و تشویق فعالان جنبش دانشجویی هم کیش و مرام خود به تماس با فعالین جنبش کارگری برای ایجاد کانالهای ارتباطی برای یافتن راههای نفوذ در جنبش کارگری ایران، نیز در زمره این پروژه است. به اینها باید فعالیت‌های گسترده برای تماس با فعالین جنبش کارگری و گروه ها و نهادهای معتبر کارگری در جنبش کارگری ایران را نام برد.

یک نیاز حیاتی جنبش کارگری ایران در مرحله کنونی حمایت های مالی است. و بویژه دریافت این نوع حمایت بیشتر از هر نوع دیگری میتواند منشا ایجاد فساد در جنبش کارگری و فاسد کردن فعالین جنبش کارگری باشد. جنبش کارگری ایران باید بتواند کمک های مالی لازم را دریافت کند اما نباید هیچگونه کمکی را از موسسات و نهادهایی که استراتژی امپریالیستی آمریکا را در اپوزیسیون پیش می برند را بپذیرد.

### چگونه باید ایستادگی کرد؟

نهادهای آمریکایی برای برقراری تماس با فعالین جنبش کارگری ایران و نفوذ در آن با موانعی روبرو هستند. با آنکه اتحادیه های کارگری سوسیال دمکرات سابقه همکاری با آمریکا علیه اتحادیه های نزدیک به احزاب کمونیست را دارند اما فعلا عموما مخالف دخالت نهادهای آمریکایی در جنبش کارگری ایران هستند و این ناشی از تفاوت مواضع اروپا و آمریکا بر سر چگونگی برخورد با رژیم اسلامی و معضلات منطقه خاورمیانه است. به این اعتبار، تا زمانی که این اختلافات وجود دارد نهادهای آمریکایی از ارتباط اتحادیه های چپگرا و سوسیال دمکرات که هم اکنون ارتباط فعال با جنبش کارگری ایران دارند نمی توانند برای برقراری تماس با جنبش کارگری ایران استفاده کنند؛ این اتحادیه های سوسیال دمکرات اگر مانعی در برابر نهادهای آمریکایی نباشند حداقل این است که کمکش نمی کنند.

در جنبش کارگری ایران نیز موانعی در مقابل آمریکا وجود دارد. اولاً همانطور که اشاره شد گرایش چپ و سوسیالیست جنبش کارگری قاطعانه مخالف پروژه ای است که دولت آمریکا برای جنبش کارگری ایران دارد. از نظر فعالین گرایش چپ نتیجه هرگونه تماس دولت آمریکا با جنبش کارگری ایران و کمک به آن چیزی بجز ایجاد فساد در جنبش کارگری ایران نیست. تماسها و کمکهای اتحادیه های سوسیال دمکرات اروپا می تواند به تقویت یک گرایش غیر سوسیالیست و غیر انقلابی در جنبش کارگری ایران منجر شود اما فساد ایجاد نخواهد کرد. به همین دلیل بحث و جدل در این زمینه را هنوز می توان در چهارچوب مباحثات درونی جنبش کارگری گنجانند. اما در قبال سیاستهای دولت آمریکا چنین نیست. بحث در باره رابطه نهادهای آمریکایی با جنبش کارگری ایران بحثی در درون گرایشات جنبش کارگری نیست، بلکه بحثی است بر سر سلامت، پاکیزگی و شرافت جنبش کارگری با بد خواهانش. به همین اعتبار وجود چنین روابطی در چهارچوب افشاگری و محکومیت است. هر گونه رابطه فعالین و یا هر بخش جنبش کارگری با نهادهای آمریکایی و گروهها، سازمانها و نهادهای ایرانی که در چهارچوب پروژه آمریکا در صدد تماس با فعالین جنبش کارگری، حمایت از جنبش کارگری، برگزاری سمینار و راه اندازی دوره های

آموزشی و غیره هستند باید افشا و محکوم گردد. نهادهای آمریکایی باید به عنوان عامل فساد و روابط ایرانی آنها در جنبش کارگری ایران باید بعنوان عوامل فساد افشا و معرفی گردند.

ثانیا، یکی از نهادهای فعال در خارج کشور که تاکنون سهم ارزنده ای در جلب همبستگی جنبش جهانی کارگری با کارگران ایران داشته "اتحاد بین المللی در دفاع از کارگران ایران" است که هر نوع همکاری با این نوع نهادهای آمریکایی را صریحا رد کرده است.

## تشکیل یک هیات معتمد مالی

یکی از راههای جلوگیری از فاسد شدن جنبش کارگری ایران و فعالینش، تقبیح دریافت غیر علنی هر نوع کمکهای مالی از کلیه نهادهای کارگری است که حاضرند به جنبش کارگری ایران کمک کنند. این را باید به یک رسم و سنت معتبر در جنبش کارگری ایران تبدیل کرد که کلیه کمکهای مالی باید علنی باشد و کاملا روشن باشد که از کجا آمده است. در جنبش کارگری ایران دریافت کمک های مالی غیر علنی و زیر جلگی باید ممنوع باشد و بویژه اگر افراد و نه گروهها و تشکلهای، این نوع کمکهای غیر علنی را دریافت کنند بعنوان عوامل فساد افشا و طرد گردند. (واضح است که اینجا منظور کمک های مالی ناچیز یا کمک مستقیم به تک خانواده های کارگران جان باخته و یا زندانی که توسط فعالین جنبش کارگری در ایران و خارج کشور جمع آوری می شود و هر یک از راههای میسر به کارگران ایران میرسد، نیست. این نوع حمایت ها به قدمت جنبش کارگری وجود داشته است و اساسا مسئله ساز نبوده و نیست.)

مسئله کمکهای مالی نهادهای بین المللی و اتحادیه های کارگری است. همه این نوع کمکها برای جنبش کارگری ایران یک تعهد طبقاتی ایجاد می کند تا به درجه ای که وضع مالی اش بهبود یابد به جنبش کارگری در بخشهایی که نیاز دارند کمک مالی کند. این تعهد طبقاتی ایجاب می کند تا به مجرد این که طبقه کارگر ایران تشکلهای خود را ایجاد کرد، که این روز دور نیست، کمک مالی به بخشهایی از جنبش کارگری جهانی را که نیاز مالی دارند یکی از مبانی پایه ای سیاستهای همبستگی طبقاتی خود بداند.

پول گرفتن جنبش کارگری ایران و فعالین آن از نهادهای وابسته به سیاستهای خارجی آمریکا باید تقبیح گردد و ممنوع باشد. به عنوان يك گام عملی فوری، بمنظور نظارت بر دریافت و نحوه توزیع کمکهای مالی به جنبش کارگری ایران می توان یک هیات عالی تشکیل داد. این هیات که طبعا در ارتباط نزدیک با فعالین، تشکلهای و نهادهای جنبش کارگری ایران قرار دارد، مرجع معتبری از معتمدین فعالان جنبش کارگری ایران برای اطلاع از کمک کننده و نحوه خرج آن است. اعضای این هیات مستقل از عقاید سیاسی که دارند فقط و فقط باید قابل اعتماد باشند و در جامعه و بین فعالین جنبش کارگری ایران به این امر شهره باشند.

رضا مقدم - ۲۴ شهریور ۱۳۸۵

منبع: سایت کارگر امروز